



فرار از مدرسه

مصطفی سهرابلو



چند روز پیش دوره‌ ضمن خدمت داشتیم. سر کلاس، استاد دوره به روش سخنرانی مطالب را ارائه می‌کرد. من با دوستانم روی تک صندلی‌های ردیف آخر نشسته بودم. بعد از حدود بیست دقیقه، همگی شروع کردیم به ورجه و ورجه و حرکات ناشی از خستگی و کسالت؛ با وجود اینکه استاد برای ایجاد بحث متقابل بسیار تلاش می‌کرد.

از آنجا که استاد دوره معلم با تجربه‌ای بود، می‌کوشید با پرسش‌ها و سخنان طنزآمیز لحظاتی وضع خسته‌کننده و کسالت‌آور کلاس را تغییر دهد، ولی باز کلاس به حالت اول برمی‌گشت. کلاس‌های پشت سر هم، آن هم با روش سخنرانی و «محتوای تکراری»، واقعا خسته‌کننده‌اند. نکته جالب توجه اینکه تعدادی از همکاران، هر کدام به بهانه‌ای، برای مدتی از کلاس خارج می‌شدند

آن موقع دانش‌آموزان کلاس‌های مدارس روستایی را به خاطر آوردم که مجبورند یک سال، بیشتر اوقات را در کلاس‌های مختلط تحمل کنند؛ آن هم در مدرسی که از امکانات آموزشی و فضاهای مناسب، دیوارهایی با رنگ‌آمیزی مناسب و ابزارهای آموزشی برخوردار نیستند.

در تصاویر و فیلم‌ها گزارش‌های مستند درباره مدرسه‌های شاداب و موفق در برخی کشورهای دنیا، اولین نکته‌ای که به چشم می‌خورد، زیبایی نما و اطراف مدرسه است که با فضای سبز و اجزای مناسب آماده حضور دانش‌آموزان است. این مدرسه‌ها جزو پیشروهای عرصه تعلیم و تربیت هستند. دانش‌آموزانشان با لذت و علاقه به یادگیری می‌پردازند و در مسابقه‌ها و آزمون‌های بین‌المللی مانند تیمز و پرلز خوش می‌درخشند. مدیریت و برنامه‌ریزی پیشرفته برای امور آموزشی و پرورشی در این مدرسه‌ها باید از سطح بالایی برخوردار باشد و بهره‌گیری معلمان از روش‌ها و فنون تدریس و ابزارها و فناوری‌های جدید موجود در مدرسه و همچنین فضای زیبا و نقاشی‌های روی دیوار و داخل کلاس‌ها نیز از عوامل اصلی و مؤثر در کارآمدی مدرسه در وصول به اهدافش است. مجموع این عوامل دانش‌آموزان را از خانه و بیرون به داخل مدرسه جذب می‌کند و زمینه‌ساز رشد و شکوفایی و شوق یادگیری در دانش‌آموزان می‌شود.

در طول چند سالی که در چندین مدرسه روستایی، درس علوم تجربی را در پایه‌های هفتم، هشتم و نهم تدریس می‌کنم، رفتاری که دانش‌آموزانم در رابطه با کلاس‌ها و مدرسه از خود نشان می‌دهند، علاقه همیشگی به خروج از کلاس و مدرسه و رفتن به بیرون است، طوری که مدت زمان حضور با علاقه و حوصله‌شان در کلاس بسیار کم است.

مگر بیرون چه خبر است که وقتی از کلاس خارج می‌شوند، همگی این کلمه را تکرار می‌کنند: آخیش!

البته که بیرون و طبیعت با داشتن خانه‌ها و سنگ و کوه و زمین‌های کشاورزی جلوه‌ای جذاب‌تر و شادکننده‌تر از داخل کلاس و مدرسه‌هایی با آن ساخت کهنه و در و دیوارهای بدون نقاشی و حیاط و کتابخانه مجهز و رایانه و اینترنت دارد! در خانه هم دانش‌آموزان حداقل به یک تلفن همراه هوشمند یا تبلت و اینترنت و در نتیجه به محتواهای گسترده و فضاهای مجازی دسترسی دارند. چیزهایی که در مدرسه‌های روستایی جایشان خالی است یا به ندرت و کم وجود دارند.

این شرایط وضعیتی را ایجاد می‌کند که دانش‌آموز از جای کم‌جاذبه به جای پرجاذبه تمایل پیدا کند. در نتیجه، با وجود حضور فیزیکی در کلاس، از فضا و درس لذت نبرد و یادگیری و آموزش به درستی اتفاق نیفتد. دانش‌آموزان این مدرسه‌ها، با وجود برخورداری از معلمان دلسوز و فعال و آشنا به فنون تدریس و آموزش، زود خسته می‌شوند و حوصله‌شان سر می‌رود و به بهانه‌هایی مثل آب خوردن، حتی به اندازه چند متر هم باشد، از کلاس و مدرسه فاصله می‌گیرند.

خودمان را لحظه‌ای جای آنان بگذاریم. حوصله ما دیرتر سر می‌رود یا آنان؟ چه می‌شد اگر می‌توانستیم روند فرار کردن دانش‌آموزان از مدرسه به خانه را معکوس کنیم!

به نظر می‌رسد، لازم است در وهله اول حرکتی جدی در راستای ایجاد مدرسه‌های نو و به‌روز، به‌ویژه با فضاهای کلاسی جذاب، صورت گیرد و با تجهیز مدرسه به حداقل‌های ابزارهای آموزشی مانند رایانه، آزمایشگاه کامل و کتابخانه مجهز شور و نشاط یادگیری و رشد براساس اهداف سند تحول و برنامه درسی را در همه دانش‌آموزان، به‌ویژه در مدرسه‌های روستایی، ایجاد کرد.